

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی
الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین لا
سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداءه و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ان شاء الله این سال جدید سال پرخیز و پربرکت برای همه شیعیان و موالیان اهل بیت
علیهم السلام در سراسر عالم به خصوص این مملکت امام زمان سلام الله علیه باشد. و
ان شاء الله در این سال شرّ اعداء اسلام و اعداء شیعه به خودشان برگردد و مشحون از
موفقیت‌ها و خیرات و برکات برای همگان ان شاء الله باشد و توفیق ان شاء الله تحصیل
علم و تفقه در دین خالصاً لوجه الله نصیب همه حوزویان شریف ان شاء الله، حوزویان
اهل بیت علیهم السلام بشود.

خب بحث ما در ادله داله بر برائت بود رسیدیم به آیه شریفه تعذیب؛

«وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء/15)

خب این ذیل آیه پانزدهم از سوره مبارکه اسراء هست. آیات قبلش هم که خوب است
خوانده بشود؛

«وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا (13)

اَفْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ يَتْفَسِكِ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (14)»

این آیه سیزده و چهارده بود. آیه پانزدهم؛

«مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ مَا
كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا (15)»

قبل از تقریب استدلال به این آیه شریفه یا تقارب استدلال به این آیه شریفه مناسب
هست که بعض نکات تفسیری تمهیداً مقدم داشته شود تا مسیر تقریب هموارتر شود.

خب در این آیه مبارکه ما چند واژه کلیدی و امر کلیدی داریم که باید این‌ها روشن بشود
مراد از آن؛ یکی «وَمَا كُنَّا» این صیغه ماضی که در این جا به کار رفته «ما کُنَّا». دوم
مسأله عذاب هست «معذبین» و سوم مسأله «نبعث» و چهار؛ «رسول» و پنجم؛ این
شاکله این جمله روی هم رفته. که شاکله این جمله روی هم رفته در محاورات عرب چه
مفادی را ایفاء می‌کند.

اما امر اول که صیغه ماضی «وَمَا كُنَّا» باشد. در این که این «وَمَا كُنَّا» آیا منسلخ از
زمان هست یا این که در دال بر زمان مُضی و ماضی و گذشته هست دو احتمال وجود
دارد؛ احتمال اول این است که این اصلاً منسلخ عن الزمان است. حالا یا به خاطر برهان

عقلی که بعضی تخیل کردند که خدای متعال افعالش زمانی نیست چون خودش هم زمانی نیست، داخل در زمان نیست بنابراین افعالی که او به کار می‌برد چه ماضی و چه مضارع هیچ دلالت بر زمان نمی‌کند، نه در زمان گذشته، نه آینده. «و ما کُنا» یعنی ما نیستیم، نه ما نبودیم. نبودیم نباید ترجمه بشود. ما نیستیم باید ترجمه بشود. و یا این اگر هم این برهان را بگوییم تمام نیست که حالا شاید بعداً راجع به این صحبتی بکنیم اما در عین حال افعالی که خدای متعال به کار می‌برد اگرچه برهاناً این جور نیست که حتماً باید منسلخ از زمان باشد اما این جا منسلخ از زمان است به تناسب حکم و موضوع که بعداً روشن خواهد شد. پس دو احتمال هست یکی «ما کُنا» معنا کنیم ما نبودیم، یکی معنایش این باشد که ما نیستیم، که منسلخ از زمان باشد.

و بنابر این که حالا منسلخ عن الزمان نباشد و دلالت بر ماضی بکند مبدأ ماضی را کجا باید حساب کرد؟ زمان حال است و زمان تکلم است یعنی عند نزول این آیه مبارکه خدا می‌فرماید ما قبل از این یعنی قبل از این سخن‌مان که قهراً امم ماضیه می‌شود، ازمنه سابقه می‌شود. یا این که نه، مبدأش را یعنی زمان که از آن قبلیش را حساب می‌کنیم و ماضی را به لحاظ آن به کار می‌بریم بعث باشد. «و ما کُنا» یعنی ما قبل البعث نبودیم. پس تارةً بنابر این که همان منسلخ نباشد و معنایش این باشد که ما نبودیم یعنی ما نبودیم قبل از این گفتار، قبل از این زمان یا ما نبودیم قبل البعث کردن، دو احتمال در آن وجود دارد مرحوم آقا ضیاء قدس سره بعث را مبدأ گرفتند نه زمان حال را.

پس این در حقیقت سه احتمال در این جا وجود پیدا کرد؛ یکی این که اصلاً «کُنا» منسلخ عن الزمان نباشد و زمان در آن لحاظ نشده باشد. دو، منسلخ نباشد و قبل از زمان تکلم و زمان حال مقصود باشد. سه، این که منسلخ از زمان نباشد ولی قبل البعث مقصود باشد. این احتمالاتی است که در فعل ماضی در این جا وجود دارد.

واژه دوم و مسأله دوم «معذبین» است. ما نبوده‌ایم یا نیستیم عذاب کننده.

سؤال: در مورد این زمان یک احتمال چهارمی نیست که بگوییم ماضی هست اما از قرینه خارجی می‌دانیم که افعال خداوند در گذشته و آینده‌اش فرق ندارد.

جواب: نه فعلاً بالاخره ماضی است حالا آن در مقام تقریب استدلال است آن حرف‌ها. فعلاً این هست که توجه داشته باشیم که این «ما کُنا» خودش سه احتمال در آن هست. حالا اگر آن جور شد، قدیم شد می‌توانیم استدلال کنیم، نمی‌توانیم، آن‌ها بحث‌هایی که در مقام تقریب باید روی آن توجه کنیم. این از نظر خود این واژه است، خود این جمله است.

در «معذبین» هم سه احتمال یا چهار احتمال وجود دارد؛

یکی این که مقصود از این عذاب عذاب اخروی باشد.

دو، این که عذاب دنیوی باشد.

سه، این که عذاب برزخی باشد.

چهار، این که مطلق عذاب؛ دنیوی و برزخی و اخروی بلافرق.

که خب این چهار احتمال اگر ضرب بشود در آن سه احتمالی که برای ماضی بود می‌شود دوازده تا احتمال که عقلاً این جا دوازده تا احتمال وجود دارد. که قهراً حالا از بین آن احتمالاتی که در آن قبلی بود آن چه که تبادر به ذهن می‌کند و انسباق به ذهن دارد در فعل ماضی عدم انسلاخ از زمان است حتی اگر از خدای متعال صادر بشود، مگر قرینه باشد و ظاهر فعل ماضی هم این است که به لحاظ زمان تکلم و حال است نه به لحاظ یک امر آخری، آن هم قرینه می‌خواهد، باید قرینه اقامه بشود. «و ما کُنا» یعنی ما قبلاً در ازمنه سابقه، قبل از این زمان حرف زدن فعلی‌مان این جور نبودیم. خب حالا این جور نبودیم که عذاب کننده باشیم عذاب دنیوی، عذاب اخروی، عذاب برزخی، همه جور عذابی.

از کلمات بعضی از بزرگان تفسیراً اصولاً کسانی که متعرض این آیه شدند استفاده می‌شود که یک ملازمه‌ای قائل هستند بین این که اگر از این فعل ماضی عدم انسلاخ مراد باشد و زمان گذشته مراد باشد و قبل از زمان تکلم مراد باشد این مرادفه دارد و ملازمه دارد با این که مراد از عذاب عذاب دنیوی باشد. چون ما در گذشته عذاب اخروی که نداشتیم، عذاب برزخی هم که نداشتیم پس بنابراین باید چی باشد؟ «و ما کُنا معذبین» یعنی ما در زمان‌های گذشته قهراً بر آن ادیان سابق عذاب دنیوی که در قوم عاد و ثمود و این‌ها بوده دیگه زیاد، در قرآن شریف مطرح است این عذاب‌ها را نمی‌کردیم تا بعث رسل نمی‌شد. منحصر در عذاب دنیوی گرفتند. اما حق این است که این ملازمه‌ای نیست ولو فرد اعلاّی آن این باشد. برای این که توی ذهن من آمده بود بعد امروز در کلام استاد قدس سره مرحوم آقای حائری هم دیدم که ایشان فرمودند که دلیلی ما نداریم بر این که آخرت‌هایی قبل از این آخرتی که برای ما هست نبوده. بلکه به حسب آن چه که در ذهنم هست روایاتی است که حالا امروز فرصت این که آن روایات در صدد پیدا کردن آن بر بیایم حالا اگر آقایان پیدا کردند خوب است، توی ذهنم هست روایاتی هست که قبل از این عالم عالم بوده تا 150 تا در بعضی روایات هست که عالم بوده، انسان‌های آن آمدند و آن‌ها قیامت‌شان هم برگزار شده، بهشتی‌هایشان بهشتی شدند، جهنمی‌هایشان جهنمی شدند و الان ما این انسان‌های موجود الان اولین خلقت انسانی نیست و بوده. حتی در بعضی روایات علی ما بیالی 150 امت‌هایی بودند که آن‌ها قیامت‌شان برگزار شده و ما صد و پنجاه و یکمی مثلاً هستیم.

خب خدای متعال دارد اخبار می‌فرماید حالا در قرآن شریف در این کلامش اخبار می‌فرماید که ما آن امت‌های سابق را هم به عذاب اخروی قبل از این که رسولی برای آن‌ها بفرستیم مبتلا نکردیم.

و اگر گفتیم که نه، قیامت هیچ کس هنوز برگزار نشده و ما یک قیامت بیشتر نداریم لکل بشر از زمانی که خدای متعال مشیتش بر این تعلق گرفته که بشر خلق کند، هنوز قیامت محقق نشده. خب اگر این هم را فرض کنیم این چنین بوده است و این چنین باشد ولی برزخ که این جوری نیست. خب هر کی از دنیا می‌روید در عالم برزخ وارد می‌شود. «و ما کُنا» باز درست است که بگوییم ما عذاب برزخی نداشتیم برای احدی تا این که بعث رسول کنیم.

جامع همه این‌ها هم اشکالی ندارد که نه عذاب دنیوی، نه اخروی، نه برزخی نداشتیم قبل از بعث رسل.

سؤال: عذاب اخروی که خارج می‌شود.

جواب: نه اخروی خارجی نمی‌شود. اگر تصویر کردیم که اخروی بوده بنابر این فرض که اخروی‌هایی بوده برای امت‌هایی، 150 امت اخروی‌ها هم داشتند. اگر این را فرض کردیم خب چه اشکالی دارد این فعل ماضی نسبت به همه ماسبق است. هم اخروی‌های آن‌ها، هم دنیوی‌ها و هم برزخی‌ها. یک معنای عام جامع داشته باشد که «و ما کُنا معذبین بانواع العذاب الاخری و البرزخی و الدنیوی حتی نبعث رسولا» خب این هم در واژه عذاب این سه احتمالات وجود دارد.

سؤال: نسبت به اخروی می‌شود سالبه به انتفاء موضوع.

جواب: چرا؟

سؤال: چون که اصلاً بنا شد فعل ماضی بگیریم ما. آخرت هم یک آخرت بیشتر نباشد که هنوز محقق نشده.

جواب: اگر این جور گفتیم درسته. ما یک آخرت داریم ولی اگر گفتیم نه، کما هو الظاهر من الروایات که نه ما آخرت‌های متعدد داریم. این آخرت موعود مال ما هست ولی آخرت‌ها یک اممی بودند از حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام تا بعد آخرت‌شان هنوز نشده از حضرت آدم ولی امت‌های قبل بودند، قبل از آدم هم در روایت هست قبل از آدم هم آدم بوده، قبل از آن آدم هم آدم بوده، قبل از آن آدم هم آدم بوده، تا صد و پنجاه تا.

سؤال: جامع بنابر این فرمایش است درسته؟

جواب: بله.

حالا اگر این را گفتیم یعنی به حسب آن روایات و این معرفت دینی این جوری گفتیم که بله بوده. این از طرفی. برزخ هم که برای آن‌ها بوده، هم برای ماها این امت هم این انسان‌هایی که الان هستند برزخ دارند. عذاب دنیوی هم که خب بوده. بنابراین می‌توانیم بگوییم «و ما کُنا معذبین بانواع العذاب» هم اخروی، که اخروی برای آن‌ها بود. برای ما هنوز نشده که اخبار بدهیم. و هم برزخی که هم برای ما است و هم برای آن‌ها است از این بشری که الان موجود است و هم دنیوی. چه برای آن‌ها، چه الان آخرت‌شان هم انجام شده چه برای این‌هایی که هنوز آخرت‌شان انجام نشده. اطلاق داشته باشد و عموم داشته باشد همه را شامل بشود لایس به.

سؤال: ما عذاب را گاهی اوقات نسبت به قدماء ندهیم بگوییم اثر وضعی گناه هست این اثرش نبود رحمت در واقع شامل حال‌شان می‌شود و این عذاب می‌شوند نه این که خدای متعال عذاب کننده باشد یعنی صاحب....

جواب: بله ببینید آن هم فعل خدای متعال هست بالاخره شرایط می‌خواهد، خدا می‌تواند جلوی آن را بگیرد، این جا خودش به خودش نسبت داده «و ما کُنا معذبین» معذب نیستیم حالا ولو این که به همین عذاب‌هایی که تجسم اعمال است. تجسم اعمال این نیست که مخلوق خدای متعال نیست و خدا نمی‌تواند جلوی این که او محقق بشود بگیرد. آن هم مخلوق خدای متعال است منتها این کار خود ما است که به آن جا می‌انجامد.

علاوه بر این که مسأله تجسم اعمال منافاتی با عذاب‌های غیر تجسم اعمالی هم ندارد

چیزی نیست که منحصر باشد. ادله تجسم اعمال نمی‌گوید که فقط عذاب منحصر است در عذاب تجسمی. نه، عذاب غیرتجسمی هم هست، بلکه تجسمی هم وجود دارد.

سؤال: پس استاد این تلبیس معذیت برای ذات ربوبی حتماً باید نحوه تلبیس مبدأش فعلی باشد ... شما بحث‌تان از این که آیا آخرتی بوده است در قدیم یا آخرتی نبوده است تا بتوانیم بگوییم خداوند قبلاً معذب بوده یا خداوند معذب قبلاً نبوده.

جواب: حالا بنابر این که فعل ماضی باشد بالاخره این است فعل ماضی باشد و منسلخ از زمان هم نباشد، ماضی هم یعنی قبل از آن زمان گفتار.

سؤال: نه، می‌خواهم عرض کنم معذیت خدا مثل صفت مؤثریت و ضاربت ما نیست که من اگر قبلاً ...

جواب: ظاهرش صفت فعلی است نه این که شأنش را دارد می‌تواند. مثل رزاقیت خدا، خالقیت خدا.

سؤال: ما بدانیم یک آخرت بیشتر نیست و آن آخرتی است که خدا می‌داند چند سال دیگه مثلاً به وجود می‌آید ما الان که داریم می‌گوییم خدا معذب، صفت معذیت همه به لحاظ آن تلبیس در آن زمان است و خدا می‌گوید ما نسبت به سلف و به نسبت به ماضی و اقوام گذشته «ما کُنا معذبین» ما صفت معذیت را نداریم حالا به چه لحاظ؟ به این لحاظ که آخرتی حتماً محقق بشود، یا این که نه به همان لحاظ آخرتی که همه‌تان جمعاً محصور می‌شوید. اگر نحوه تلبیس معذب هم باید بحث بشود. یعنی در واقع خدا هم معلوم نیست به این که ظاهر بر این است که مثل معذبی که در مورد انسان‌ها به کار می‌رود.

جواب: بالاخره این ظاهر این واژه این هست دیگه. جور دیگری که نمی‌شود معنا کرد. خلاف ظاهر است.

سؤال: ... ممکن است که ظاهرش چیز دیگری باشد. خدا معذب است یعنی در آخرت صفت معذب ...

جواب: این دیگه انسلخ از زمان باید باشد یا اگر انسلخ از زمان نباشد باید بگویید کنایه است و مراد نیست. که این‌ها حالا در تقرب ان شاءالله به آن توجه می‌شود در تقرب. این‌ها زمینه است برای این که تقاریب براساس احتمالاتی که در آیه داده شده و هست تقرب‌ها مختلف است. از این جهت تمهیداً ذهن‌ها باید آماده بشود که بلکه ما این احتمالات را در آیه شریفه داریم. حالا در مقام تقرب آن‌ها را ان شاءالله عرض می‌کنیم.

سؤال: ببخشید بعد از ارسال رسل قبل از برپایی قیامت خداوند معذب عذاب اخروی است؟

جواب: بله؟

سؤال: خداوند قبل از اقامه قیامت، بعد از ارسال رسل این فاصله هم باز خداوند معذب به عذاب اخروی نیستند. اگر آن معنایی که شما می‌فرمایید یعنی معذیت فعلی که عذابش موجود نیست تا قیامت...

جواب: نه دیگه آن وقت اخروی نمی‌شود دیگه، نه عرض می‌کنیم اگر فعل «ما کُنا» را

منسلخ از زمان نگرفتیم و گفتیم مال زمان سابق است و قبل از زوال تکلم مقصود است قهراً دیگه اگر عذاب اخروی را هم گفتیم یک اخروی بیشتر نداریم دیگه اخروی مقصود نیست دارد نفی می‌کند عذاب کردن و معذب بودن دنیوی‌ها و برزخی‌ها را و اگر گفتیم آخرتی بوده برای قبلی‌ها قبل از این بشر فرزندان آدم علیه السلام خب بله آن هم دارد نفی می‌کند. پس بنابراین وقتی فعل ماضی شد مال گذشته شد آن جا طبق مبانی‌مان در این که آیا آخرت یکی است یا آخرت‌هایی بوده اگر بگوییم آخرت یکی است برای هر بشری، برای همه بشرها من الاول الی الآخر یک آخرت بیشتر وجود ندارد پس قهراً ماضی شد و زمان گذشته از حال مقصود بود نه بعث. اگر آن مقصود بود ما باید بگوییم چی؟ باید بگوییم دنیوی فقط بعث است. اما اگر بگوییم آخرت‌ها داریم خب اشکال ندارد.

سؤال: آخرت‌ها به لحاظ بشرها و رسل‌ها نمی‌شود برای یک بشر و یک رسل اگر ارسال رسل ... نه ربط که ندارد. آیه را داریم معنا می‌کنیم استدلال که نمی‌کنیم. می‌گوید پس خدای متعال دارد اخبار می‌کند می‌فرماید ما عذاب‌های اخروی امم سابقه و برزخی برای همه و دنیوی بر امم سابقه نداشتیم قبل از بعث رسل، نداشتیم حالا با این اگر مفاد آیه این شد می‌شود استدلال کرد؟ خب ممکن است کسی استدلال کند یا به اولویت استدلال کند، یا به تشابه ازمان و امثال تتمیم بکند آن وقت تقریب استدلال متفاوت می‌شود. فعلاً این است که این مفاد آیه شریفه چیه. و در این مفاد این احتمالات وجود دارد. دادند این احتمالات را، حالا ما اصل احتمالات را داریم بیان می‌کنیم تا بعد ببینیم که براساس این‌ها چه جور می‌شود استدلال کرد.

و اما در واژه بعث؛

در واژه «بعث» سه احتمال وجود دارد: یکی بعث یعنی بعث خارجی. یعنی این که پیامبری را خدا، شخصی را خدای متعال مبعوث به پیامبری کند. که این کار را برای 124 هزار پیامبر تا حالا انجام داده به حسب آن چه که در نصوص هست و برای پیامبر اکرم(ص).

دوم این که نه، مقصود از این بعث معنای اصلی خودش نیست معنای کنایی است. وقتی به معنای کنایی هم شد مکنی الیه آن دو احتمال دارد؛ یکی این که مراد بیان است، اصل بیان است. و دو، این که مراد ایصال است نه اصل بیان، ایصال است. پس «و ما کُتِّبَ معذبین حتی نبعث رسولاً» یعنی حتی نبیین یا حتی نوصل. رسول هم باز البته رسول... که این دو تا را باید با هم محاسبه کرد نه جدا جدا. رسول هم یا معنایش واقعاً آن ذات شریفی است که... آن شخص شریف است که این با آن معنای اول سازگار است. یا نه، مقصود از رسول کنایه است. رسول به خصوص به این واژه انتخاب شده، نبی نفرموده. رسول فرموده که رسالت همراه دارد، اخباریت همراه دارد. رسول هم یک کنایه باشد از بیان. خب آن وقت نبعث رسولاً یا یعنی نبیین الاحکام یا نوصل الاحکام. ایصال احکام اعم است. آیا خصوص ایصال به نبی، به رسول مقصود است یعنی پیامبری بیاید بفرماید، پیامبر ظاهری یا نه، ولو به پیامبر درونی که عقل انسان باشد. حتی نبعث رسولاً اعم است از بیان به پیامبر بشری یا پیامبر عقلی و درونی. این‌ها احتمالاتی است که در این آیه شریفه وجود دارد. خب حالا براساس این احتمالات متعدد که هست تقریب‌های مختلفی در کلمات اعلام و بزرگان و مستدلین به این آیه شریفه شده.

سؤال: ...

جواب: بله پنجم این است که... بله خوب شد فرمودید.

پنجمین امر که آن را هم باید عرض کنیم این است که شاکله این جمله چیه، با این جمله چی می‌خواهید از محاورات عربی «و ما کُنا معذین حتی نبعث رسولاً» با این می‌خواهند یک قضیه‌ای را بیان بکنند، یک واقعه‌ای را گزارش کنند یا با این می‌خواهند یک سنت را، یک رویه را، یک سیره را بیان کنند. در این هم دو احتمال داده شده، یکی این مثل بقیه فعل ماضی‌ها که می‌گوید ذهیناً مثلاً الی عراق للزیارة یک چیزی گذشته، یک مسأله‌ای واقع شده دارد اخبار می‌کند از آن گذشته. یا نه می‌خواهد با این کلام سحیه، روش، سنت را بیان بکند. عده‌ای حمل بر آن کردند از مفسرین و اصولیون که نه یک قضیه عادی است فعل ماضی گذشته را دارد می‌گوید. یک عده هم مثل محقق خویی و بزرگانی فرمودند نه این جمله، این شاکله وقتی انسان استقراء کند در لغت عرب، عرف عرب می‌بیند این شاکله در کجا به کار برده می‌شود؟ در جایی که می‌خواهند روش را بیان کنند، سحیه را، رویه را می‌خواهند بیان بکنند. مثل «و ما کُنا ظالمین» نه ما قبلاً ظالم نبودیم، نمی‌خواهیم بگوییم ما در گذشته ظالم نبودیم. ما رویه‌مان این ظلم کردن نیست. و هکذا که حالا آیات شریفه فراوانی است که ایشان به آن استشهاد کردند که ان شاء الله بعداً.

بنابراین این که این شاکله کدام یکی از این دو تا را می‌خواهد بگوید که این خودش مؤثر است در بعضی از آن احتمالات سابق یعنی احتمال اول که منسلخ عن الزمان هست یا نه، منسلخ نیست اگر گفتیم این شاکله برای این است دیگه انسلخ عن الزمان هم ممکن است از آن بهتر بشود استفاده کرد نه این که فقط بخواهد اخبار از گذشته بکند «و ما کُنا معذین» یعنی سحیه ما نیست، روش ما نیست و سیره ما نیست. این‌ها یک قدری این احتمالات هم نسبت به هم دیگه ترابط دارند و اگر گفتیم این جمله، این جور شاکله در زبان عرب معمولاً برای این مقصود به کار برده می‌شود این باعث می‌شود خودش قرینه بشود بر این که آن مباحث قبلی هم روشن بشود که آن‌ها چی و کدام صحیح است در آن. این احتمالاتی است که به حسب این واژه‌ها و هم چنین به حسب کل جمله و هم چنین به حسب هیأت این جمله در این آیه شریفه وجود دارد حالا براساس این برداشت‌های افراد مختلف که چه جور استظهار کردند از آیه نسبت به این مطالبی که گفتیم تقریب‌ها مختلف شده. تقریب اول تقریبی است که از شیخ اعظم قدس سره هست که ایشان از ایشان استفاده می‌شود که این جمله را کأنّ منسلخ عن الزمان گرفتند. یا اگر منسلخ نگرفتند مبدأً مَضی را بعث گرفتند. عذاب را هم حمل کردند ایشان یعنی در تقریب استدلال عذاب را حمل کردند ظاهرش بر عذاب اخروی یا جامع. و می‌فرمایند که مقصود از رسول هم در این جمله شخص پیامبر نیست بلکه کنایه است از بیان. بعث رسول کنایه از بیان است حالا یا بیان مطلق ولو بالامر العقلی یا خصوص بیان بشری به واسطه نبی بشری. پس مفاد این جمله این می‌شود. ما عذاب نمی‌کنیم قبل البیان إما بیان مطلق هم عقلی، هم بشری و إما بیان بشری. خب اگر معنای آیه شریفه این شد قهراً دلالت می‌کند بر این که در شبهات حکمیه چه تحریمیه، چه وجوبیه که ما فحص کردیم و لم نظفر بدلیل علی حکم و آن جا شک می‌کنیم حکم خدا این وجوب هست یا نه، این تحریم هست یا نه طبق این آیه شریفه خدا می‌فرماید ما قبل از این که بیان بکنیم یعنی به واسطه عقل یا به واسطه رسول بشری بیان بکنیم عذاب نمی‌کنیم. پس این آیه دلالت می‌کند بر امنیت از عذاب در موارد شبهات حکمیه و هذا هو المطلوب که اثبات امنیت از عقاب و عذاب باشد در شبهات حکمیه. فثبت قول اصولیون که در این موارد قائل به برائت هستند و امنیت از عقاب هستند. این تقریب شیخ اعظم قدس سره. ان شاء الله تقارب بعد هم ان شاء الله در جلسه بعد.

عرض می‌کنم یادم باشد من بنا دارم اگر خدای متعال توفیق بدهد و شیطان بگذارد سر نه

و ریع شروع کنیم که این تعطیلات متعددی که داشتیم یک مقداری جبران بشود ان شاء
الله سر نه و نیم شروع می‌کنیم ان شاءالله. حالا نه و ریع سابق و ده و ریع فعلی.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.